

جایگاه آب در معماری ایرانی و ریشه‌های آن

فردین طهماسبی^۱

چکیده

آب به عنوان رکن اصلی حیات خاصه در اقلیم‌های کویری ایران اهمیت فراوانی داشته و علاوه بر نقش کارکردی، نقش‌های نمادین و سمبولیک نیز پذیرفته است. در ایران باستان نظیر نقاط مختلف دنیا حرمت آب همواره مورد توجه بوده است. برای تطهیر، آرامش، زیبایی و سمبل پاکی و زایش از این عنصر بهره‌گیری شده است. در اماکن مختلف و ابنیه‌ی گوناگون نیز بر حسب نوع نگاهی که به آب بوده و نوع کاربری متوقع از بنا، رفتارهای مختلفی نیز با آب شکل گرفته است اما در کارکردی‌ترین وجه نیز حرمت‌بخشی به آب رعایت شده است. مقاله‌ی پیش‌رو در تلاش است تا ابتدا ریشه‌ها و علل اهمیت یافتن آب را در ایران و فرهنگ‌های مشابه بررسی کند. سپس چند کاربری مهم و تعیین‌کننده در معماری سنتی انتخاب شده و نقش آب در آن‌ها مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: آب، پاکی، فرهنگ، معماری سنتی

^۱ دانشجوی کارشناسی معماری، دانشگاه هنر تهران (ورودی ۹۱)

مقدمه

نقشی که آب در مکان‌یابی و ایجاد زیستگاه‌های انسانی دارد، پاسخ به یک نیاز حتمی زیستی است. اما زمانی که در ورای این نیاز، در معماری، معابد و مجموعه‌های مسکونی اهمیت و گاه قداست خاصی برای آب می‌بینیم، حاکی از یک اتفاق فرهنگی است. آب در همه تمدن‌ها اهمیت خاص خودش را داشته. در ایران باستان نیز به کرات مورد توجه عامه‌ی مردم و معماران قرار گرفته است. آبرسانی به مردم کویر توسط افرادی انجام می‌گرفته که همواره مورد احترام و تمجید بودند. در زمان پس از اسلام نیز حرمت بخشی به آب هم‌چنان حفظ شده است. این پیوستگی آب با معماری در اماکن مذهبی نظیر مساجد به اوج خود می‌رسد و نیز در زمینه‌های باغ‌سازی و حیاط‌های مرکزی متجلی می‌شود. به طور کلی می‌توان گفت معماری ایرانی بدون نقش‌آفرینی آب لطف خودش را از دست می‌دهد. این پیوند عمیق با عنصر آب ناشی از ریشه‌های عمیق تاریخی و فرهنگی است که رفتار متقابل مردم با آب را شکل می‌داده است.

نقش آفرینی آب در اسطوره‌های قدیم

انسان‌ها در جوامع مختلف همواره به آب توجه داشته‌اند. آب به سان عنصری مهم، محترم و حتی مقدس در آداب و رسوم و آثار ادبی (خاصه ادبیات حماسی) انسان‌ها وارد شده است. این اسطوره‌پردازی و شخصیت‌بخشی به آب محدود به مرزهای کشوری یا فرهنگی خاصی نیست و جوامع بسیاری از آن بهره برده‌اند. آب یا مستقیماً دارای تقدس بوده یا نقطه آغاز یک تقدس است.^۲ احتیاج دایمی تمدن‌ها به آب (چشمه، رودخانه، دریا و...) جهت حفظ حیات و رفع نیاز در ایجاد این دیدگاه بی‌اثر نبوده است. برای نمونه در فرهنگ سومریان آغاز خلقت انسان چیزی به جز آب نبوده. الهه آب ("نمو") در ادامه الهه‌های زمین و آسمان را شکل می‌دهد و خلقت این‌گونه تداوم می‌یابد. عقیده بابلیان نیز شخصیتی اساطیری بنام "تعامه" را به‌عنوان رب‌النوع آب معرفی می‌کند. خط دنباله‌ی این تفکر در اثر حماسی "انیوما‌ایلیش" بابلیان نیز دیده می‌شود.^۳ در فرهنگ مصر باستان الهه "رع" که شکل‌دهنده‌ی کل خلقت است، خاستگاهی جز آب ندارد. یونانیان نیز "وقیانوس" را الهه‌ای می‌دانند که برآمده از آب است و جهان را سامان می‌بخشد.

نقش آفرینی آب در سنن ایران باستان و پیش از اسلام

در دین زرتشت، پس از آتش، آب جایگاه والایی داشته. آب، دومین مخلوق از هفت مخلوق اورمزد است که نخستین آن آسمان است.^۴ زرتشتیان فضای باز مقدسی را به شکل مستطیل و به نام "پاوی" شکل می‌دادند که بعد از علامت‌گذاری چهار طرف آن با خواندن دعایی مخصوص با آب مقدس تطهیر می‌کردند.^۵ هم‌چنین "آناهیتا" یا "ناهید" در این آیین نگهبان آب و به نوعی منقسم آب بین ممالک بوده و بسیار شایان احترام و تشخص است. در متون مذهبی زرتشت بسیار درمورد ایزدان آب و

^۲- نقی زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۴۵

^۳- اخوان بهبهانی، ۱۳۸۲، صص ۱۴۰-۱۴۲

^۴- بندهش، ۱۳۸۰، فصل اول، بند ۵۴، فصل اول، بند ۴ و ۷

^۵- نایبی، ۱۳۸۱، ص ۴۵

کشاورزی سخن رفته است.^۶ این عنصر ماه پنجم تقویم سریانی است که ماهی سی و یک روزه و مصادف با ما "آگوست" تقویم میلادی است. هم‌چنین در سال دینی یهودیان ماه پنجم و مقارن با "جولای" و "آگوست" است.^۷ معابد ایرانیان و نیایشگاه‌ها در مجاورت آب‌ها ساخته می‌شدند و در برخی موارد هم‌نشینی آب و آتش در این اماکن دیده می‌شود. هم‌چنین مقنیان و افرادی که به حفر کاریز مبادرت می‌کردند در این حکومت، تا پنج نسل از مالیات و خراج معاف بودند.^۸ شهر باستانی دوراوتاش که اولین تجهیزات مربوط به تصفیه آب را داشته، کنار رودخانه دز بنا شد. جشن‌های بهاری در کنار این رودخانه برپا می‌شدند. در آثار مکشوفه از شوش نهرهایی متعلق به خدایان در نظر گرفته شده‌اند. در دوره هخامنشیان نام "آناهیتا" در کتیبه‌ها پیش از نام مهر و پس از اورمزد آمده. در دوره سلوکیان و تا سلسله‌ی ساسانیان این رویه ادامه داشته. در زمان ساسانیان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آتشکده (آذرگنسب) که محل تجمع سران و پادشاهان بوده، درست در مجاورت چشمه‌ای آتشفشانی و بزرگ (به قطر صد متر) ساخته شد.^۹ پادیاوهای معابد و پرستشگاه‌ها به درون خانه‌ها راه یافت و در حیاط‌های گرد بسته و گودال باغچه متجلی شد. در شهرها و آبادی‌های پیرامون کویر که دسترسی به آب سهل نبود، وجود پادیاو برای دسترسی به آب‌های زیرزمینی و مجاری قنات ضروری بود.^{۱۰}

اهمیت و شخصیت آب در قرآن و در فرهنگ پس از اسلام

پس از نزول قرآن و نفوذ اسلام به حوزه فرهنگی ایران، آب به‌عنوان برکت الهی و حیات‌بخش شناخته شد. نقش و قداست آن پررنگ شد و حتی بعنوان نماد الوهیت خداوند (الله) نیز مطرح گردید. در ادامه چند نمونه از این آیات که به حرمت و شان آب اختصاص دارد نیز جهت نمونه ارائه می‌شوند.

«أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ»

یا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمان‌ها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن دو را از هم جدا ساختیم و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم آیا [باز هم] ایمان نمی‌آورند. انبیا- ۳۰

«وَ اٰخْتَلَفِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَاحْيَا بِهٖ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ اٰيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُوْنَ»

و اختلاف شب و روز و آنچه فرو فرستاد خدا از آسمان‌ها از روزی پس زنده کرد با آن زمین را بعد از مردنش و گرداندن بادهای آیت‌هاست برای گروهی که می‌یابند به عقل. جاثیه- ۵

«وَ هُوَ الَّذِي اَرْسَلَ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَ اَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا * لِنُحْيِيَ بِهٖ بَلَدَةً مَّيْتًا وَ نَسْقِيْهِ مِمَّا خَلَقْنَا اَنْعَامًا وَ اِنَاسًا كَثِيْرًا»

^۶ - سلیمی موید و نوری زاده، ۱۳۸۱، صص ۷۲-۷۲

^۷ - مجموعه نویسندگان، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۸

^۸ - حائری، ۱۳۸۶، ص ۳۴

^۹ - علم الهدی، ۱۳۸۲، ص ۸۵

^{۱۰} - پیرنیا، ۱۳۹۲، ص ۳۲۰

و او خدایی است که باده‌ها را برای بشارت پیشاپیش باران رحمت خود فرستاد، و از آسمان آبی طاهر و مطهر نازل کردیم * تا به آن باران زمین خشک و مرده را زنده سازیم و آنچه آفریدیم از چهارپایان و آدمیان بسیار همه را از آن سیراب گردانیم. فرقان-۴۹ و ۴۸

«وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ»

و اوست کسی که آسمان‌ها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود تا شما را بیازماید که کدام‌یک نیکوکارترید و اگر بگویی شما پس از مرگ برانگیخته خواهید شد قطعاً کسانی که کافر شده‌اند خواهند گفت این [ادعا] جز سحری آشکار نیست. هود-۷

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ»

مگر ندیده‌ای که خدا از آسمان آبی فرود آورد پس آن را به چشمه‌هایی که در [طبقات زیرین] زمین است راه داد آنگاه به وسیله آن کشتزاری را که رنگهای آن گوناگون است بیرون می‌آورد سپس خشک می‌گردد آنگاه آن را زرد می‌بینی سپس خاشاکش می‌گرداند قطعاً در این [دگرگونیها] برای صاحبان خرد عبرتی است. زمر-۲۱

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»

بگو: به من خبر دهید اگر آب‌های (سرزمین) شما در زمین فرو رود، چه کسی می‌تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟ ملک-۳۰

یکی از لطیفترین تعابیر در مورد آب متعلق به حضرت فاطمه است که مهریه خود را آب مقرر کردند. امام علی نیز در خطبات خود به شیوه‌ی آفرینش آب، جایگاه آب در خلقت و اشکال آن اشاره فرموده‌اند.^{۱۱} تمام این ارج و قربی که ایرانیان چه پیش از اسلام و چه پس از اسلام برای آب قائل بودند باعث شد تا به‌عنوان جزئی از فرهنگ ایرانی خود را نمایان کند. جزئی که جدایی‌پذیر نیست و گاه محور اصلی رفتارهای انسانی را تعریف می‌کند. در اسلام نیز آب زمینه‌ساز ارتباط با معبود بوده و وضو مقدمه بسیاری از عبادات است و به تعبیری به معنای یکی دانستن خود در دنیای مادی با موج رحمت خدا و بازگشت به همراه آن به سوی اصل و مبدأ است.^{۱۲}

^{۱۱} - امام علی، ۱۳۸۹، ص ۲

^{۱۲} - لینگز، ۱۳۷۴، ص ۶۰۵

نقش آب در معماری

مساجد

نقش آب در مساجد از دو جهت قابل بررسی است. نخست شان تطهیری آب که مورد تایید و تاکید اسلام نیز هست، و دیگر جنبه‌های معمارانه و نمادین آب. آب در مساجد عموماً در پنج جایگاه کالبدی وجود دارد (پایابها، آب‌نمای مرکزی میان سرا، حوض پیش‌خان، سنگ‌آبه‌ی ورودی، فواره‌ی آب نما). پادیاوهای پیش از اسلام در مساجد اسلامی با نام وضوخانه جای گرفتند. در نیایشگاه‌های کهن پیش از اسلام پادیاوها را در جلوی ورودی اما در عمقی از سطح زمین می‌ساختند. علت عمق یافتن آن ممکن است تغذیه راحت‌تر از کاریزها و قنوات باشد. هم‌اکنون در مساجدی نظیر جامع نایین، نطنز، اردستان و ... پایاب وجود دارد.^{۱۳}

در حیاط مرکزی اکثر مساجد حوض بزرگ آب و گاه جوی روانی از آب جای دارد که تمثیلی از بهشت است. آب در مرکز و کانون مسجد قرار گرفته و سمبل پاکی و خلوص معنوی مسلمان است. معانی تمثیلی بسیاری برای تشخیص آب ذکر شده است اما مهمترین آن دنیایی دیگر است که خالص و پاک و شفاف است و حوزه نفوذ جسم نیست.^{۱۴} برداشتی که به ذهن انسان خطور می‌کند آنست که ارتباط عاطفی آب با مخاطب خود در میان مساجد خاصه در اقلیم‌های گرم و خشک، عمیق و غیرقابل کتمان است. آب آینه‌وار تصویر کاشی‌های اطراف، گنبد و مقرنس، تصویر آسمان روز و شب هنگام تصویر ستارگان را در خود مجتمع می‌کند. بدین‌گونه آب محل تجلی و ظهور است. محل عرضه تصاویر و خاطرات لطیف انسان در فضا.

حوض و حیاط

حیاط در منازل سنتی ایران به معنای صرفاً یک فضای باز نگریسته نمی‌شدند. حیاط مرکز و قلب خانه بود. در خانه‌های سنتی حیاط موید درون‌گرایی خانه است. از ویژگی‌هایی که درجه اهمیت به باطن را در نقطه مقابل توجه به ظاهر متجلی می‌سازد و در اصل تأکیدی بر عالم غیب و تفسیری است از صفات باطنی الهی.^{۱۵} در این میان در زندگی یک فرد مسلمان، تأکید بیش‌تر به ابعاد درونی و معنوی در مقایسه با ابعاد بیرونی و مادی صورت می‌گیرد. تأکید بر شخصیت فرد در اسلام، اعضای خانواده او را به‌عنوان منسوبین مقدس وی تثبیت می‌کند و این مفهوم نمادین در خصوصی‌ترین عرصه زندگی او در حیاط یا مرکز خانه سنتی ظاهر می‌شود. به این دلایل گفته می‌شود که حیاط مفهومی فراتر از یک فضای باز یا مفصل ارتباطی داشته.^{۱۶} در کنار این موارد از ریشه‌های اقلیمی حیاط‌ها نیز نمی‌شود چشم‌پوشی کرد. وجود حیاط‌های داخلی یا فضاهای باز که در هسته ساختمان قرار می‌گیرند، در شکل بناها و بافت شهری، تأثیر عمده می‌کند. این درون‌گرایی یا تفاوت بین فضای داخلی و خارجی از مشخصه‌های عمده فضاهای ماست، که در بیش‌تر نقاط با اقلیم هم‌خوانی دارد و با نحوه‌ی زندگی خاص ما که در آن رعایت اشراف و جدایی بیرون و درون الزامی است، نیز کاملاً هماهنگ است.^{۱۷}

^{۱۳} - لیتکوهی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۰

^{۱۴} - علم الهدی، همان، ص ۸۴

^{۱۵} - نایبی، ۱۳۸۱، ص ۴۶

^{۱۶} - ابوضیا و قزلباش، ۱۳۶۴، ص ۲۴

^{۱۷} - سلطان زاده، ۱۳۸۴، ص ۷

یکی از عوامل تزئینی تلفیقی و ارتباطی که در میان حیاط یا باغ قرار داشت، آب‌نما بود. حوض‌ها در حیاط‌های خانه‌های سنتی، از نظر شکل و فرم متنوع هستند. گاه شش ضلعی، دوازده ضلعی و اغلب مستطیل شکل بوده‌اند. غالباً حوض را در یکی از محورهای اصلی فضای خانه احداث می‌کردند به طوری که طول حوض در امتداد طول فضای منزل قرار گیرد.^{۱۸}

آب‌نما جوی آبی است با عمق حدوداً شصت سانتی‌متر که محل جاری شدن آب از (به) جانب حوض یا هر منبع دیگری است. آب‌نما عضوی دیرپا در محوطه‌سازی ایرانیان است به نحوی که در بنای متاخر کاخ گلستان نیز نمونه‌های پرمطراقی دیده می‌شود. فواره‌ها نیز که یا در مسیر آب‌نما تعبیه می‌شدند یا در میانه‌ی حوض قرار داشتند، نه فقط برای زیبایی‌بخشی به منظر بلکه به جهت افزایش رطوبت در نواحی خشک استفاده می‌شدند. ضمن اینکه با دیدی معمارانه می‌توان آنها را به‌عنوان عناصر هادی و تشخیص‌بخش به فضا هم قلم‌داد کرد.^{۱۹}

باغ سازی

شاید کم‌آبی سرزمین ایران از عللی باشد که تمایل ایرانیان را به تماشای آب حرکت آن در باغ بیش‌تر کرده است. در باغ‌های ایرانی، آب با فوران دائم به سمت پایین سرازیر می‌شود و تمام اجزای باغ را با هم پیوند می‌زند. در باغ‌ها آب به‌عنوان محور اصلی در قرینه‌سازی کاربرد داشته و انتظامی از تعادل و هماهنگی است. نمونه بارز این نظام در باغ فین و باغ شازده قابل مشاهده است. نمود باغ ایرانی به آب و درخت است. تلاش دائمی معمار ایرانی در تداعی بهشت اغلب به پتانسیل آب ختم می‌شود. حیات باغ ایرانی از یک کاریز و یا چشمه‌ای تامین می‌شده که آب همواره در آن جریان داشته است. گاه مسیر رساندن آب به باغ طولانی‌تر از طول خود باغ بوده است. مانند باغ‌های قدم‌گاه نیشابور و فین کاشان.^{۲۰} در نهایت آن که در باغ‌های ایرانی نیز نگاه به آب به‌عنوان عنصری پرابهت و نمادین مورد توجه بوده است. تامین آب این حوض‌ها و فواره‌ها و آب‌نماها بیش‌تر از طریق قنات‌های رشته‌ای بوده که در دل کویر حیات را جاری می‌کنند.

قنوات

وجود چاه و قنات در مناطق کویری از اهمیت زیادی برخوردار است. به نحوی که صاحب چاه آب از قدرت و حکومت منطقه‌ای برخوردار بوده و ضابطه‌ی حرکت و استقرار کاروان‌ها و نیز فاصله و دوری و نزدیکی از چاه‌های طبیعی یا قنات‌ها را تعیین می‌کرده. وجود آب در مناطق کویری تمثیلی از مکان و جایگاه ویژه‌ایست که به شکلی مرکزی تمام فضاها را بهره‌مند می‌کند. خواه باغ و سرسبزی اطراف آن باشد و خواه بنایی واحد که در این صورت نیز مجزا و منفک از طبیعت نخواهد بود.^{۲۱} قنات در اصل هم‌زاد واقعی مدنیت گروه‌های اجتماعی است که در گوشه و کنار سرزمین ایران حیات فرهنگی و تمدنی خود را رقم زده‌اند. به همین دلیل نیز متناسب با شرایط اقلیمی و تحولات سیاسی و اجتماعی در روند تکاملی جامعه موثر بوده است. قنات هم یک شیوه‌ی استخراج آب‌های زیرزمینی است و هم فرهنگ استفاده از آب را در تمامی ابعاد محیطی، اجتماعی و

^{۱۸} - روحانی، ۱۳۷۱، ص ۲۶

^{۱۹} - علیشاهی، ص ۸

^{۲۰} - لیتکوهی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۰

^{۲۱} - جواهری، ۱۳۸۰، ص ۱۰۴

اقتصادی دربر می‌گیرد، در ایران باستان و نیز ایران پس از اسلام کاربرد بسیار فراوانی دارد و اکنون بیش از نیم قرن است که در ایران کمتر مورد توجه است.^{۲۲}

کاروان سرا

در میانه‌ی کویر جهت تامین سرپناه و ابزار رفاه کاروانیان عبوری تمهیداتی اندیشیده می‌شده که در مجموعه‌هایی نظیر کاروان سرا، رباط و ساباط و گاهی نیز در حد میل‌های راهنما. تامین آب در میان کویر به معنای تداوم حیات کاروانیان بوده است. از طریق آب‌انبارهای کوچک، پادیاوهای منتهی به قنات، گاه حوض‌هایی جهت جمع‌آوری آب باران و نظایر آنها. در اصل در کاروان سراها آب پیش از هرچیز کاربردی حیاتی دارد و دیگر به جنبه‌های نمادین آن توجه چندانی نمی‌شود. نوع نگاه این چینی برخاسته از نیاز کاربران و افرادیست که با مجموعه‌ی کاروان سرا درگیر هستند.^{۲۳}

آب انبار و یخچالها

این فاکتور که کشور ایران در بیش‌تر مساحت خود شاهد فضاهاى گرم و خشک است، باعث شده تا در برخورد با آب و رفع نیازهای مرتبط خلایقیت بیش‌تری به خرج داده شود. آب‌انبارها و یخچال‌ها از همین دست هستند. سازه‌های آبی‌ای که برای رفع نیاز حیاتی اهالی شهر یا محله کاربرد دارند. در ساز و کار این سازه‌ها می‌توان به طور خلاصه گفت که در فصول پر آب و بارندگی نسبت به پر ساختن سازه از منابع آبی (با یخ یا آب، بسته به اینکه سازه مورد نظر آب‌انبار است یا یخچال) اقدام می‌کردند. در فصول گرم و زمانی که احتیاج به برداشت داشتند، با حفظ اصول بهداشتی و نیز حفظ حرمت آب، به‌قدر نیاز از این منابع برداشت می‌شد. حتی در مواردی با استفاده از حوضچه‌های شنی آب را تصفیه می‌کردند.^{۲۴}

برخورد مردم با آب در این‌گونه بناها به عنوان ابزاری حیاتی است که به سبب در دسترس نبودن، ارزش و شان والایی پیدا کرده است. با آن‌که در این‌گونه ابنیه با تقدیس و نمادپردازی‌هایی نظیر آنچه در مورد مساجد و خانه‌های سنتی ذکر شد مواجه نیستیم اما هم‌چنان ضرورت پاس‌بانی از آب حس می‌شود. جلوگیری از آلوده شدن منبع آب، پاک‌سازی مجاری ورود آب به منبع، شیوه‌ی دسترسی پاک به منبع آب، برگزاری جشن‌های کوچک محلی و پای‌کوبی در زمان پر کردن منبع یخچالها، تفکیک دسترسی‌ها به پاشیر و ... از نمونه‌های این پاس‌بانی و حرمت‌گذاری هستند. حتی در زمان‌هایی جهت وقف و انجام کار خیر معماران نسبت ساخت آب‌انبارها مبادرت می‌کردند و سازندگان همواره مورد احترام و تمجید بودند.^{۲۵}

^{۲۲} - حائری، ۱۳۸۶، صص ۲۸-۲۹

^{۲۳} - پیرنیا، ۱۳۹۲، صص ۲۳۰-۲۳۳

^{۲۴} - پیرنیا، ۱۳۹۲، صص ۲۱۳-۲۱۴

^{۲۵} - معماریان، ۱۳۹۰، صص ۲-۳

منابع آب

در وهله‌ی اول می‌توان منابع تامین آب در گذشته را بر دو نوع طبیعی و مصنوعی دسته‌بندی کرد. طبیعی شامل دریاچه، چشمه، رود و مواردی از این دست. منابع مصنوعی نیز شامل آّبگیرها، حوض‌ها، نهرهای مصنوعی و ... برخی رودخانه‌ها خاصه آن‌هایی که از میان شهر عبور می‌کرده‌اند مورد توجه بسیار بودند. مانند رودخانه‌ی زاینده رود، دز و ...

سازه‌های خاص آبی

در میان سازه‌های آبی به کارکرد دو نمونه از سازه‌ها مختصرا اشاره می‌شود. آسیاب‌ها و پل‌ها. در شهرهای مختلف کشور به فراخور ویژگی‌ها و ملزومات، این سازه‌ها ساخته می‌شدند و تنوع ساختاری خاص خود را نیز دارا هستند.

آسیاب‌ها در کنار سادگی ظاهری خویش از نمونه‌های استفاده‌ی سالم و کارآمد از پتانسیل آب جاری است. روزگاری آسیاب‌های هر شهر یا منطقه به عنوان نمادهای پیشرفت و مدنیت آن شهر دیده می‌شدند.^{۲۶} در حال حاضر نمونه‌های جالب و بازسازی شده‌ای از آسیاب‌های قدیمی بر رودخانه‌ی دز، در شهر دزفول خوزستان موجود است.

پل‌ها علاوه بر ارتباط دادن دو سوی یک خط آبی، گاه کاربری‌های مختلف دیگری را نیز پاسخ‌دهی می‌کردند. نمونه‌های بارز این شیوه‌ی طراحی در اصفهان دیده می‌شود. پل خواجه در این میان از بهترین نمونه‌هاست. این پل فی‌الواقع به‌عنوان بندی بر روی رودخانه و محل تقسیم آب بوده، ضمن اینکه فضاهایی جهت برگزاری مراسم‌های درباری و یا استقرار ماموران حکومتی و در مواقع لزوم سربازان جنگجو و ... تعبیه شده است.

نتیجه‌گیری

به دلیل درگیری و در هم تنیدگی خاص آب با معماری فضاها در ایران، نمی‌توان غنای معماری را بدون در نظر گرفتن این عنصر توصیف کرد. حرمتی که پیشینیان برای آب و مشاغل مربوط به آبرسانی قائل بودند برگرفته از نیازهای فرهنگی و اقلیمی است که دسترسی به آب را دشوار و پر ارزش مینماید. همان‌گونه که مشاهده شد آب در برخی موارد صرفا در جنبه‌ی کارکردی و جهت تامین نیاز مسلم به کار می‌رفته و در مواردی دیگر کاملا جایگاه سمبولیک و نمادین به خود می‌دیده. در هر صورت در تمامی این فضاها و با هر نوع نگاه به این عنصر، جهت جلوگیری از آلودگی آب اهتمام تام ورزیده شده و در برخورد با آب رعایت مدارا و احترام تام شده است.

^{۲۶} - پیرنیا، ۱۳۹۲، ص ۷

منابع

۱. ابوضیا فرهاد و قزلباش، محمدرضا، الفبای کالبد خانه‌ی سنتی یزد، سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۶۴
۲. اخوان بهبهانی، عبدالهادی، نقش آفرینی آب در اسطوره‌های سومری و بابلی، کتاب ماه هنر، ش ۵۷-۵۸، تهران
۳. امام علی (ع)، نهج البلاغه، محمد دشتی، انتشارات اشکذر، تهران، ۱۳۸۹
۴. بندهش، انتشارات توس، ۱۳۸۰
۵. پیرنیا، محمدکریم، آشنایی با معماری اسلامی ایران، سروش دانش، تهران ۱۳۹۲
۶. جواهری، پرهان و محسن، چاره‌ی آب در تاریخ فارس، گنجینه ملی آب ایران، تهران ۱۳۸۰
۷. حائری، محمدرضا، قنات در ایران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران ۱۳۸۶
۸. رضی، هاشم، جشن‌های آب، بهجت، تهران ۱۳۸۳
۹. روحانی، غزاله، طراحی باغ و احداث فضای سبز، فرهنگ جامع، تهران، ۱۳۷۱
۱۰. سلطان زاده، حسین، اولین هم‌اندیشی هنر و عناصر طبیعت، فرهنگستان هنر، تهران، ۱۳۸۴
۱۱. سلیمی موید و نوری زاده، فاطمه، آب و قنات در تهران قدیم، پژوهش‌نامه اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، دفتر چهارم، ۱۳۸۱
۱۲. علم الهدی، هدی، مقاله "آب در معماری ایرانی"، کتاب ماه هنر ش ۵۷-۵۸، تهران
۱۳. علیشاهی، مونا، بررسی جایگاه آب در معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیضا
۱۴. لیتکوهی، ساناز و ساچلی، آب حضور هنر مقدس و شفاف، نشریه‌ی ادبیات و هنر دینی، شماره چهارم، تهران، ۱۳۹۰
۱۵. لینگز، مارتین، سید رحیم موسوی نیا، نماد آب در قرآن، فصل‌نامه‌ی هنر، ۱۳۷۴
۱۶. مجموعه‌ی نویسندگان، دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۷
۱۷. معماریان، غلامحسین، سیری در آب انبارهای یزد، سروش دانش، تهران ۱۳۹۰
۱۸. نایبی، فرشته، حیات در حیاط، نزهت، تهران، ۱۳۸۱
۱۹. نقی زاده، محمد، جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ شهرهای ایرانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ۱۳۸۴